



نقدی بر مقاله

”سه تاکتیک برخورد با خرده بورژوازی“ نشریه کار

در شماره های ۵۱، ۴۹، ۴۸ نشریه کار مقاله ای تحت عنوان ”سه تاکتیک برخورد با خرده بورژوازی“ بجا پرسید. نویسنده مقاله در مقام دفاع از نظرات جریان خویش به نظرات دیگران از جمله چریکهای فدائی خلق ایران^۱ حمله نمود، و ما را آنارشیست خواند و دلایل ما را ”کودکانه“ تلقی کرد و خلاصه دلیلی از عزا در آورد.

اتخاذ این شیوه از جانب آنها عجیب و غریب نیست و ما آنرا بکرات دیده ایم. هرگاه که آنها قلم بدست گرفتند جز فحش و ناسزا چیزی برای عرضه نداشتند. یکی از بهترین نمونه های آن جزوه ”اشرف بازمانده های از دوران کودکی“ است که نویسنده آن کوشیده است تا با تعریفات آشکار و فحاشی مواضع سست خود را توجیه کند. کینه و غصبی که در این جزوه نهفته است، انعکاس و نمود موقع متزلزل آنها در جنبش کمونیستی ماست. برآستی وقتی نه واقعیات عینی، و نه آن مکتب نظری که آنها خود را بدان منتصب میکنند، پشتوانه ای برای نظرات آنها ایجاد نمیکند، برای مقابله با دیگران جز ناسزا و دروغ، جز تحریف، جز انشاء جملات بی سروته چه امکان دیگری برایشان وجود دارد؟

البته هدف مقاله ”سه تاکتیک برخورد با خرده بورژوازی“ به دفاع از نظرات ”جریان کار“ و حمله به دیگران محدود نمیشود، بلکه در ضمن کوشش میشود تا بطریق زیرکانه ای در قبال برخی دیگر از مسائل ”موضع“ گیری شود.

مثلاً با انتخاب کلماتی مانند ”نفرت انگیز“ و یا ”وقیحانه“..... سعی مینماید تا به خواننده خود بگوید ”مانوده ای نیستیم“، بدینوسیله و به خیال خود میفرازد تشابهات و همسانیه های اساسی خود را با آن جریان منحط اجتماعی، بپوشاند. و با درجملاتی کوتاه، به رویزیونیسیم، بدون اشاره بنوع شخصی آن، حمله میشود و در جای دیگر با سرعت تمام نظریه راه رشد غیر سرمایه داری را محکوم میکند.

علت همه این تلاشها واضح است. هلهله ها و کف زدنهای توده ایها برای ”جریان کار“ و همچنین یکسانی پایه های نظری و همسانی سیاستهای عملی این دو جریان منحرف، در میان بسیاری از هواداران مبارز ”جریان کار“ بذر شک و تردید پاشیده است و رهبران منحرف جریان مذکور از هم اکنون نتایج آنرا مشاهده میکنند، و با توجه و اعتقاد به سیاست گام به گام خود (همان سیاست بورژوازی لیبرال!!!) و این که پابهای هواداران باید حرکت کرد و ابتدا زمینه را در میان هواداران بوجود آورد، لازم دیدند تا برای حفظ حیات مستقل تشکیلاتی خویش، ذهن هواداران خود را آرام سازند، به همین جهت درجملاتی کوتاه راجع به مسائلی که جنبش نوین کمونیستی ایران نسبت به آن حساسیت دارد، و دارای مواضع رسمی کمابیش جا افتاده ایست، اظهار نظر نمودند تا خود را ”پابهای“ آن قلمداد کنند.

بررسی اینکه این ادعاها تا چه اندازه حقیقت دارد، در حوصله این مقاله نمی گنجد، بخصوص وقتی بیاد بیاوریم که مباحثه با این ”رتالیست“ها از دو جنبه مشکل است. اولاً دانش آنها از مارکسیسم - لنینیسم ایجاب میکند تا همینکه همواره بحث بر سر هر مسئله، از الفبای آن شروع شود. ثانیاً آنکه آنها چون گربه مرتضی علی از هر کجا که بیافتند بر چهار دست و پا فرود می آیند - بهمین جهت ما کوشش میکنیم تا آنجائی که ممکن است بحث خود را به ایده های مطرح شده در مقاله

۱ - البته آنها از چریکهای فدائی خلق ایران تحت عنوان ”گروه اشرف دهقانی“ نام برده اند. بررسی هدف این تلاش رسوا را به زمانی دیگر موکول میکنیم.

" سه تاکتیک برخوردار با خرده بورژوازی " محدود کنیم

آیا چریکهای فدائی خلق آنارشیست اند؟

رهبران " جریان کار " از تمام امکانات تبلیغی خود استفاده میکنند تا با زدن انگ های گوناگون بر چریکهای فدائی خلق ایران سدی در مقابل نفوذ آنها بسازند و در این کار پای بنسند هیچگونه اصول اخلاقی و ایدئولوژی مارکسیسم-لنینیسم نیستند. از جمله آنها کوشش میکنند تا با زدن انگ " آنارشیسم " بر چریکهای فدائی خلق ایران هم عقده خود را خالی سازند و هم اهداف معلوم دینگر را دنبال کنند. اما یکی از دهها خصوصیت منفی " جریان منحن کار " اینست که هیچگاه برای فتوا که صادر میکند دلیل نمیاورد. درست به این دلیل که هرگز آنها مسائل را از دیدگاه مارکسیسم-لنینیسم مورد بررسی قرار نمیدهند. نه میخواهند که اینکار را انجام دهند و نه میتوانند. مثلاً هیچگاه آنها نیامدند با دلیل و مدرک بگویند که چرا چریکهای فدائی خلق ایران را آنارشیست می نامند. از نظر ایدئولوژیک اساس نظری آنارشیسم بر انکار وجود هرگونه دولت، بدون در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی، قرار دارد. ظاهراً آنچه که آنها بر آن پایه خود را مجاز می بینند تا چنین اتهامی را بر ما وارد سازند این حقیقت است که:

چریکهای فدائی خلق ایران

اولاً - دولت کنونی را بعنوان یک " دولت ملی " قبول ندارند، و آنرا حاکمیتی وابسته میدانند. ثانیاً - چریکهای فدائی خلق اعتقاد به تسلیح توده ها دارند. به اعتبار این حقایق، از نظر " جریان کار " چریکهای فدائی خلق آنارشیست اند. اما ما دلایل اساسی خود را مبنی بر وابستگی حاکمیت کنونی ابراز داشته ایم و جریان حوادث آن دلایل را روشن و بخشیده و درستی آنها را به ثبوت رسانده است. و در ثانی " مبارزات بطور عینی در حال گسترش " * توده ها صحت شعار دوم ما را نیز اثبات کرده است. درستی این شعار و انطباق آن بر واقعیت عینی و " اندازه آمادگی " توده ها بقدری بود که رژیم را به تلاش انداخته، تا برای جلوگیری از پیشرفت واقعی آن در بین توده ها، شعار کذائی " ارتش بیست میلیونی " را ارائه نماید. و اپورتونیستها را وادار سازد تا بدنبال روی از حکومت این شعار را تکرار کنند. و از بسیج مسلح خلق (نه سازماندهی مسلح آنان) صحبت نمایند. با این همه آنها خود را از تک و تا نمی اندازند و کوشش میکنند بطریقی این حقیقت را بپوشانند. در حقیقت آنها میخواهند عدم قبول و پذیرش دولت کنونی را - که بطور مشخص مطرح است - با عدم قبول هرگونه دولت یکسان جلوه داده تا راه را برای فعالیت های تبلیغی خود بر علیه ما باز کنند. ماهیت این حمله تبلیغی، کاملاً با ماهیت حملاتی که مخالفین " لنین " به او میکردند یکسان است. به جملات زیر توجه کنید و ببینید ایده اساسی آن چقدر بسا موضوع مشاجره ما شباهت دارد:

" گزارشگر کمیته، و سخنرانان قبلی گفتند، که اولین دولت موقت، دولت بدی بود، اما وقتی این بلشویکهای مزاحم گفتند که " هیچ پشتیبانی و هیچ اعتمادی نباید برای این دولت قائل شد " چقدر ما را به آنارشیسم متهم کردند! و حالا دیگر هر کسی میگوید که دولت اسبق دولت بدی بود. **

دقت میکنید که لنین را نیز بعلت آنکه دولت موقت را بعنوان یک دولت انقلابی رد میکرد، متهم به آنارشیسم می نمودند، و اکنون در ایران، همین " جریان کار "، فراموش میکنند که روزی جبهه بر آستان بورژوازی لیبرال؟!!! میسائید، و کسانی بودند که آنرا ضد انقلابی میدانستند، و بهمین حساب هم به " آنارشیسم " و " چپ روی " متهم میشدند و فراموش میکنند که پس از گذشت زمانی کوتاه (البته به حساب تقویم رهبران " جریان کار ") همان " بورژوازی لیبرال " معروف بدشمن " عمده " خلق ما تبدیل شد. و پس از آن نیز انگار نه انگار که چرخشی در نظرات شان روی داده است و آقایان بدون آنکه خم به ابرو بیاورند، به سادگی از این اشتباه بزرگ گذشتند. میان آنها و هواداران - شان رسم عجیبی برپاست بسادگی میگویند " اشتباه " شد. اما هرگز از خود نمی برسند تا چه اندازه این " اشتباه " اهمیت داشت. آنها مرز بین اشتباه و خیانت را مخدوش میکنند. تا وجدان همیشه در

خواب مانده خود را آرام نگاه دارند. آیا واقعا " دشمن " عمده " خلق رایحای دوست واقعی خلق قلمداد کردن یک اشتباه و فقط یک اشتباه کوچک بود ؟ آیا برای جریانی که در جنبش کمونیستی ایران " نقش و مسئولیت بزرگی " (کار شماره ۴۴ ، صفحه ۱۲) برای خود قائل است این " اشتباه " یک اشتباه کوچک و عادی است ؟

آیا آنها نباید از خود بپرسند که علل و موجبات این اشتباه چه بوده است ؟ وهنگامی ابعاد مسئله اهمیت واقعی خود را نشان میدهد که بنیاد بیآوردی این خودتوده ها بودند که پیشاپیش این حقیقت را دریافتند ، و اینها که البته نه اکونومیست اند و نه آنارشیست (عجبا !) این بار نه حتی پایبای توده ها بلکه بعد از آنها این حقیقت را پذیرفتند که دولت قبلی، یک دولت ضد خلقی بود . و امروز نیز آنها سر بر آستان با اصطلاح " خرده بورژوازی مرفه سنتی " میسایند و وقتی کسانی پیسدا بشوند ، و بگویند ، نه اولاً " سرساییدن به درگاه طبقات ارتجاعی هیچگاه درست نیست ، و ثانیاً " این دولت ، دولت ملی نیست ، با داد و هوار آنها را آنارشیسم خطاب میکنند . آیا باز فردا ، یا همیسن امروز که به اعتراف خود آنها ، روحانیون پیرو خط امام بطرز چشمگیری نفوذ خود را از دست داده خواهند گفت " اشتباه " شد .

آقایان ، این برازنده " رئالیست " ها نیست که بخواهند زبونی عملی و سترون بودن فکری خود را زیر پوشش اتهاماتی چون آنارشیسم ببوشانند !!! این برازنده " عینی گرایان " نیست که بخواهند " راست روی " آشکار خود را زیر پوشش اتهاماتی چون " چپ روی " ببوشانند !!! اگر کسانی میخواهند واقعا به خلق خود خدمت کنند ، و اگر هنوز کسانی هستند که میخواهند مارکسیست - لنینیست باشند و خود را در موضع پرولتاریا قرار دهند شایسته است که به این اصل انقلابی توجه کنند : " شرط صداقت انقلابی برخورد جدی با مسائل است " (رفیق مسعود احمدزاده - مبارزه مسلحانه هم استراتژی ، هم تاکتیک) آیا واقعا " جریان کار " دشمن عمده را دوست خلق قلمداد کرده بود ؟ البته ما نظرات آنها را بازگو میکنیم ، از نظر آنها دشمن عمده در شرایط کنونی همان بورژوازی لیبرال معروف است * ولی قضیه از این رسواتر است . آنها دولت بازرگان را یک " دولت ملی " قلمداد میکردند و حاضر بودند برای دفاع از آن تاپای جان بیاستند به این جمملات دقت کنید : " ما بهیچ وجه دولت شما را کمال مطایب خلق نمیدانیم ، ولی این بهیچوجه بدان نیست که مردم ما حاضر نباشیم برای دفاع از اقدامات شما در کوتاه کردن دست مرتجعینی که به مال و جان و ناموس مردم تجاوز میکنند ، آنان که برضد انقلاب توطئه میکنند ، آنان که از پشت بسد مردم خنجر میزنند ، تاپای جان بایستیم " . (تاکید از ماست)

می بینید که دولت آقای بازرگان حافظ انقلاب قلمداد شده و از آن خواسته میشود ، تابباری مردم و " جریان کار " در مقابل این مرتجعین ، - همانهایی که امروز بنظر آنان جناح مترقی و انقلابی را تشکیل میدهند - ایستادگی کند اما این آمادگی برای مقابله را در شرایطی بیان میکند که خود از موضع واقعی دولت هیچ خبر ندارد . مثلاً " بعد از آیا آیا آیا های فراوان می - برسد " آیا دولت هجوم خودسرانه شبانه به خانه مردم مبارز و دستگیری و آزار جوانان آزاده را تأیید میکند ؟ آیا دولت محاکمه و اعدام خودسرانه محمود رئیسی را که به غیر انسانی - ترین و کینه توزانه ترین شکل ممکن جدا از کلتیه موازین حقوقی انجام گرفت تأیید میکند ، آیا واقعا " این حرکات مشکوک مورد تأیید دولت شما است ؟ راستی مسئله برای هیچ کس روشن نیست ، موضع شما چیست ؟ این احکام و اعمال را تأیید میکنید یا نه ، شما دولت هستید ، مردم میخواهند موضع دولت را بدانند " (تاکید از ماست)

* - خواننده دقت داشته باشد که ما نظرات آنها را منعکس میکنیم . آنها عقیده دارند که در شرایط کنونی " بورژوازی لیبرال " دشمن عمده خلق ماست . یعنی تضاد عمده ، بین خلق از یک سو و بورژوازی لیبرال از سوی دیگر است . بی شک ما با این عقیده موافق نیستیم . و فکر میکنیم این تضاد میان دولت و خلق ، تضاد با درکات مردم فداکار و شهیدان است . عمده خلق " است . در اینگونه

چه کوشش بی شائبه‌ای انجام دادند و در ضمن آن توجه نماید که چگونه آنها نقش پشاهنگ را به حد توضیح دهنده صرف و قاصح، آنهم به شکلی قلب شده، تقلیل میدهند.

باید پرسید آیا این دنباله روی، با اندازه دنباله روی حزب توده از ارتجاع، نفرت انگیز و حتی صدمبار نفرت انگیز تر نیست؟ آیا با دادوهوار، باهایو میتوانی اعمال نفرت انگیز خود را بپوشانید؟ این درست است که دنباله روی حزب توده نفرت انگیز است ولی این حقیقت هرگز نمی تواند ساتری بر حقیقت اعمال نفرت انگیز شما باشد.

دنباله روی شما صدمبار نفرت انگیزتر از دنباله روی حزب توده است. چرا؟ همه میدانند که سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، فقط و فقط بخاطر سوابق درخشان مبارزاتی خود دردل توده‌ها نفوذ کرده بود. درجریان مبارزه یکپارچه خلق مازندرانهای ۵۶ و ۵۷، هرکجا کسه مشکل بزرگی پیش میامد، مردم میگفتند "پس چریکها کجایند". در دورافتاده ترین و عقب مانده ترین روستاهای کردستان، بدران، فرزندان خود را بانام "جان فدا" نوازش میدادند. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران چشم و چراغ تمام خلقهای ستمدیده - مثلاً "خلق ترکمن" - گشته بود. آگاهترین، وپرشورترین کارگران بصفوف آن روی آوردند و همه عناصر ضد خلقی در تمییـ تاکتیکها و اتخاذ سیاستهای خود آنها بحساب میآوردند. از جمله آقای بازرگان و اعوان و انمار آن شما آمدید، نام سازمان را در یک فرصت مناسب فصب کردید. و بعد از این بعوض آنکه از اینهمه حمایت و اعتماد توده‌ها در جهت پرورش سیاسی، و ارتقاء مبارزه آنها استفاده کنید، آنها در خدمت حفظ و تثبیت حاکمیتی قرار دادید که جنایات آن روی شاه راسفید کرده است. هر جاکه توده‌ها به خاستند، شما آنها را بر سر جای اولشان نشانندید و گفتید: "ارتجاع را نباید تحریک کرد" شما خلق ترکمن را از مبارزه علیه حاکمین جنایتکار بازداشتید و مظلوم وار، در مقابل حملات سیمانه حکومت به خلق ترکمن، فقط مرثیه خواندید. شما مبارزات خلق دلیر کرد را جهت دفاع از حقوق حقه خویش، به نفع امپریالیسم و صهیونیسم خواندید و با تمام قوا کوشیدید، مردم را از مبارزه بازدارید و در حالیکه نسل جوانی بسوی مبارزه رو کرد، مغز و فکر آنها را با انحرافی ترین ایده‌های ممکن فاسد نمودید.

جنبش خلق ما، و جنبش کارگری ایران این تجربیات را یکبار دیگر بطرز مشابهی از سرگذرانده است. و شما همان میکنید که همپالگی هایتان در گذشته نمودند، که نتیجه آن راهمگان بعینه دیده‌اند. درست بهمین دلیل، یعنی داشتن نفوذ توده‌ای و وجود تجربه تاریخی جنبش کمونیستی، دنباله - روی شما صدمبار نفرت انگیزتر از دنباله روی حزب توده است. وقتی شما بازرگان را انقلابی جلوه میدادید، صدها هزار نفر آنها قبول میکردند و وقتی شما سربر آستان حکومت ضد خلقی میماشید، انرژی بسیاری را سرکوب و تلف میکنید. چه چیزی میتواند نفرت انگیزتر از آن باشد که شما انجام میدید؟ فراموش نکنید، قریب هشت ماه، در شرایطی که مادر هر روز آن شاهد حوادث مهم و بزرگ بودیم. شما در فریب توده‌ها، دست بدست همان "بورژوازی لیبرال" خودتان شرکت جستید. اکنون ادعا میکنید، دیگران توهم توده‌ها را دامن میزنند. این ادعا از جانب شما چقدر مضحک است. چه میشود که "رتالیست" هائی چون شما، همواره خود و اعمال خود را فراموش میکنند؟ فقط بگذارید یکی از اساسیترین و درعین حال ساده‌ترین دلایل آنها بگوئیم، چون شما اپورتونیستید. "ادامه دارد"

تکثیر از
هوا داران چریکهای فدائی خلق در اروپا
سازمان دانشجویان شهر مایسی

بهاء ۵ ریال